-حتی شبی راضی به رنج تو نمی شوم 1

متن اجرا:

در زمان امام هادی (علیه السلام) شخصی از شیعیان ایشون بیمار میشه، این شخص بیمار ، شب حالش وخیم میشه و اطرافیانش میرن سراغ پزشک، پزشک میاد و بعد از معاینه میگه که دوای درد بیمار این داروییه که من براش می نویسم و حتما این دارو رو براش بگیرید تا از فردا شروع کنه به استفاده کردن از اون دارو. ولی اون شب امکان تهیه ی دارو برای بیمار نبود.

به محض این که پزشک از در خونه بیرون رفت یکی از نزدیکان امام هادی (علیه السلام) وارد خانه شد و بسته ای هم همراهش بود، اومد و کنار بستر بیمار نشست و گفت امام هادی (علیه السلام) سلام رسوندند و گفتند این دارو رو استفاده کن، بیمار بسته رو باز کرد و دید که داخل بسته دقیقا همون داروییه که پزشک تجویز کرده بود. بیمار دارو رو خورد و خیلی زود بیماریش از بین رفت .

تا حالا به این فکر کرده ایم که از فردی که کوچکترین چیزهای زندگیمونو از اون داریم چه جوری می تونیم تشکر کنیم ، اصلا آیا این همه چیزی که به برکت وجود او به من رسیده رو تا حالا دیده ام؟ اون کسیکه اگر من مریضم یا هر مشکلی دارم از حال من با خبره و غصه می خوره و دلش می خواد که من مشکلاتم حل بشه خوشبخت بشم ... آیا منم با اون این جوری رفتار می کنم؟

متن ترجمه:

شخصی به نام محمد بن علی گوید ، زید بن علی بن الحسین بن زید برای من چنین نقل کرد :بیمار شده بودم و شبانه طبیبی بر بالینم آمد و پس از معاینه داروئی را برایم تجویز کرد و توصیه نمود که حتما دارو را بگیرم و از روز بعد شروع به استفاده آن کنم ولی امکان خرید دارو در شب برای من وجود نداشت .وقتی که پزشک از خانه بیرون رفت ، همنشین حضرت هادی علیه السلام در همان ساعت به منزل من آمده و بسته ای حاوی همان داروی تجویز شده را نزد من آورد و گفت حضرت هادی علیه السلام به تو سلام رسانده و و می فرماید این دارو را بگیر و مصرف کن.

زید گوید دارو را گرفتم و نوشیدم و از آن بیماری رهایی یافتم .

بحارالانوار ج50 ص151-150

الخرائج و الجرائح، ج‏1، ص: 407

متن عربی:

أَخْبَرَنِي زَيْدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ: مَرِضْتُ فَدَخَلَ عَلَيَّ الطَّبِيبُ لَيْلًا وَ وَصَفَ لِي دَوَاءً آخُذُهُ فِي السَّحَرِ كَذَا وَ كَذَا يَوْماً فَلَمْ يُمْكِنِّي تَحْصِيلُهُ مِنَ اللَّيْلِ وَ خَرَجَ الطَّبِيبُ مِنَ الْبَابِ فَوَرَدَ صَاحِبُ‏ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي الْحَالِ وَ مَعَهُ صُرَّةٌ فِيهَا ذَلِكَ الدَّوَاءُ بِعَيْنِهِ فَقَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ خُذْ هَذَا الدَّوَاءَ كَذَا يَوْماً فَشَرِبْتُ فَبَرَأْتُ قَالَ مُحَمَّدٌ قَالَ زَيْدٌ أَيْنَ الْغُلَاةُ عَنْ هَذَا الْحَدِيث‏

بحارالانوار ج50 ص151-150

الخرائج و الجرائح، ج‏1، ص: 407

1. کفالت/دغدغه/اطلاع از احوال/محبت